

درس چهاردهم - سوالی کردن جملات

برای سوالی کردن جملات ما ۳ روش داریم که در این درس می خواهیم روش سوالی کردن و نحوه پاسخ دادن به هر کدام از آنها را بیاموزیم.

روش اول - آوردن فعل به ابتدای جمله

روش دوم - استفاده از واژه *oder*?

روش سوم - استفاده از واژگان پرسشی

روش اول - در این روش ما از هیچ واژه پرسشی استفاده نمی کنیم بلکه با آوردن فعل ابتدای جمله آنرا پرسشی می کنیم مانند مثال های زیر

Ich komme aus dem Iran من از ایران می آیم

Komme ich aus dem Iran? من از ایران میام؟

این شکل سوالی کردن همانند این است که در فارسی ، پرسم ، ایرانی هستی ؟ یا مثلاً پرسم ، شام میخوری ؟ فوتبال بازی می کنی ؟ درس میخونی ؟

این روش حدوداً شبیه به اینگونه سوال پرسیدن در فارسی است

Gebe ich dir das Buch? اون کتاب رو بهت بدم ؟

Spielen Sie Fußball? فوتبال بازی می کنید ؟

در این روش می بایستی ما *ja , nein* , *doch* یعنی با *بله* یا *نه* و چرا تاکیدی در فارسی پاسخ بدیم. سوالی رو که از ما پرسیده میشه.

Kommen Sie aus dem Iran? شما از ایران می آید؟

Nein, ich komme aus Deutschland نه ، من اهل آلمان هستم.

Spielen Sie Fußball? فوتبال بازی می کنید ؟

Ja, ich spiele gern Fußball ، من با علاقه فوتبال بازی می کنم.

پاسخ با *doch* به اینگونه است که مثلاً در فارسی شما به من می گوئید تو نمی آیی ؟ بعد من میگم چرا میام.

استفاده از doch برای سوالی و منفی پرسیدن طرف از ماست که ما می خواهیم با این کلمه بگیم چرا کی گفته ، دقت کردید توی فارسی وقتی یکی نظری رو از ما می پرسه اما ما مخالف اون هستیم و می گیم چرا بابا این doch همین کاربرد رو در سوالی کردن داره البته یک کاربرد دیگه doch استفاده در وسط جمله است که نشانه تاکید ما روی اون کار یا اون فعل جمله است. Ich habe doch keine Zeit من واقعاً وقت ندارم.

Hast du keine Zeit? وقت نداری ؟

Doch, ich habe Zeit چرا ، وقت دارم

Liebt er dich nicht? اون تو رو دوست نداره ؟

Doch, er liebt mich چرا ، دوستم داره

کاربرد دیگه doch در وسط جمله : Wir haben doch keine Zeit ما اما وقت نداریم.

فرض کنید می خواهید به همراه خانواده به یک مهمانی بروید اما زمان ندارید. (این اما زمان ندارید) کاربردش در آلمانی می شود.

Wir haben doch keine Zeit

روش دوم برای سوالی کردن جملات استفاده از کلمه oder است. که برای سوالی کردن معنی (آیا) می دهد.

برای استفاده از این روش تمام جمله را بدون هیچ تغییری می گوئیم و سپس در انتهای آن oder را می پرسیم.

Du kommst aus dem Iran, oder? آیا تو اهل ایران هستی ؟

Ja, ich komme aus dem Iran بله ، من اهل ایران هستم.

Nein, ich komme nicht aus dem Iran نه ، من اهل ایران نیستم.

Sie sprechen Deutsch, oder? آیا شما آلمانی صحبت می کنید ؟

Ja, ich spreche Deutsch بله ، من آلمانی صحبت می کنم.

Nein, ich spreche kein Deutsch نه ، من آلمانی صحبت نمی کنم.

روش سوم استفاده از واژگان پرسشی است که این واژگان در ابتدای جمله آمده و جمله ما را سوالی میکنند. در این روش دیگه نمی بایستی با بله ، نه ، چرا تاکیدیدی پاسخ بدهیم بلکه می بایستی به خاطر سوالی که از ما می پرسند ما توضیحی بدهیم.

در جدول زیر تمامی واژگان پرسشی به همراه یک مثال و ترجمه آمده اند.

ترجمه پاسخ	پاسخ	ترجمه سوال	سوال	واژه پرسشی و ترجمه
مرتضی	Morteza	چگونه نامیده می شوید؟	Wie heißen Sie?	Wie چگونه؟
در اشتوتگارت	In Stuttgart	کجا زندگی می کنید؟	Wo wohnen Sie?	Wo کجا؟
من آنجا تحصیل می کنم.	.Ich studiere dort	چه کاری در اشتوتگارت انجام می دهید؟	Was machen Sie in Stuttgart	Was چه؟ چه چیزی را چیزی؟
مرتضی	Morteza	چه کسی هستید؟	Wer sind sie?	Wer چه کسی؟
فقط تو را	.Nur dich	چه کسی را الان دوست داری؟	Wen liebst du gerade	Wen چه کسی را؟
معلومه به من ، البته به من	.Natürlich mir	به چه کسی آن پول تعلق دارد؟	Wem gehört das Geld hier	Wem به چه کسی؟
آن ساعت مرتضی است.	Das ist Morteza's Uhr	مال چه کسی این ساعت است؟	Wessen Uhr ist das?	Wessen مال چه کسی؟
من به خانه میروم.	Ich gehe nach Hause	به کجا شما میروید؟	Wohin gehen Sie?	Wohin به کجا؟
از ایران	Aus dem Iran	از کجا می آید؟	Woher kommen Sie?	Woher از کجا؟
با همسرم.	.Mit meiner Frau	با چه کسی شما می رقصید؟	Mit wem tanzen Sie?	Mit wem با چه کسی؟
او برادرم است.	.Er ist mein Bruder	از روی چه چیز او را می شناسی؟	Woran erkennst du ihn	Woran به چه چیز؟ از روی چه چیز؟
به اون امتحان	An die Prüfung	به چه چیز معمولاً فکر میکنی؟	Woran denkst du oft?	
به روی مبل	Auf dem Sofa	تو روی چه چیز داری کشیده ای	Worauf liegst du?	Worauf روی چه چیزی؟
همین حالا	.Gleich	کی آن قطار می آید؟	Wann kommt der Zug	Wann کی؟ چه وقت؟
پنج روز	.Fünf Tage	چه مدتی تو آنجا می مانی؟	Wie lange bleibst du dort	Wie lange چه مدتی؟ چه زمانی؟
برای دو هفته.	Für zwei Wochen	برای چه مدتی به سفر میروید؟	Für wie lange verreisen Sie	Für wie lange برای چه مدتی؟ برای چه زمانی؟
هر روز رو	.Jeden Tag	چند وقت یکبار به شنا میروی؟	Wie oft gehst du schwimmen	Wie oft چند وقت یکبار؟ کی به کی؟
از هفته ی آینده	Ab nächster Woche	از کی در تعطیلات هستید؟	Ab wann sind Sie in Urlaub	Ab wann از کی؟
به مدت ۷ سال.	.Seit sieben Jahren	از چه مدتی دیگر سیگار نمی کشید؟	Seit Wann rauchen Sie nicht mehr	Seit wann از چه مدتی؟
تا فردا صبح	Bis zum Morgen	تا کی شما اینجا هستید؟	Bis wann haben Sie hier	Bis wann تا کی؟ تا چه وقت؟
از ساعت ۷ صبح تا ۶ بعدازظهر	.Von 7 bis 18 Uhr	از کی تا کی باید شما کار کنید؟	Von wann bis wann müssen Sie arbeiten	Von wann bis wann از کی تا کی؟
دقیقاً نه صبح	.Genau 9 Uhr	الان ساعت چنده؟	Wie viel Uhr ist es jetzt	Wie viel Uhr ساعت چند؟
راس ساعت ۸ شب	.Um 20:00 Uhr	در چه ساعتی آن فیلم شروع می شود؟	Um wie viel Uhr fängt der Film an	Um wie viel Uhr در چه ساعتی؟
چون پول نداری!	Weil du kein Geld hast	چرا مرا دوست نداری؟	Warum liebst du mich nicht	Warum چرا؟ به چه دلیل؟
تا از مرد ها دلبری کند. تا مردها خوششان بیاید.	Um den Männern zu gefallen	برای چی ماریا خودش رو خوشگل میکنه؟	Wotu macht Maria sich hübsch	Wozu برای چی؟ به منظور؟ مقصودی؟

Weshalb machst du das	به چه دلیل اینکار را می کنی ؟	Aus Neugier	از کنجکاوی از حس کنجکاوی
Wie weit ist es bis Köln	چقدر فاصله است تا شهر کلن ؟	Ungefähr 25 km	تقریباً ۲۵ کیلومتر حدوداً ۲۵ کیلومتر
Wie alt ist das Baby jetzt	اکنون این کودک چند سال دارد ؟ چگونه پیر است !	6 Wochen	۶ هفته
Wieso ?	برای چه ؟ از چه رو ؟		

اگر کسی از شما توسط واژگان پرسشی سوالی را پرسید چنانچه پاسخی نداشتید یا متوجه نشدید یا شاید اصلاً واقعا پاسخی برایش ندارید می توانید از روش های زیر استفاده کنید.

Wann hat er Zeit? کی اون زمان دارد ؟

Ich weiß nicht, wann er Zeit hast نمی‌دونم کی اون زمان دارد.

نکته : اگر واژگان پرسشی در ابتدای جمله آمده باشند می بایستی بعد از آن فعل جمله بیایید ولی اگر در وسط جمله از آنها استفاده کنیم آنگاه فعل جمله را به آخر می برد. درست مانند زبان فارسی که وقتی واژه پرسشی در وسط جمله است فعل به آخر جمله میرود. من میدانم ، کی او می آید. اگر دقت کنید فعل جمله یعنی می آید به آخر رفته است..

Wo bist du denn? کجایی پس ؟

Ich sage dir nicht, wo ich bin بهت نمی گم کجا هستم ؟

Was ist das? این چیه ؟

Das weiß auch nicht من هم نمی‌دانم.

Ich weiß es nicht, wie du alt bist? من این را نمی‌دانم ، تو چند سال داری؟

wissen به معنی دانستن ، آگاه بودن ، خبر داشتن

ich weiß من میدانم

du weißt تو میدانی

er/sie/es weiß او میداند

wir wissen ما میدانیم

ihr wisst شما ها میدانید

sie/Sie wissen آنها میدانند – شما مودبانه میدانید

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de